



گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی
گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی

پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد

عنوان پایان‌نامه:

تفسیر مضیق و موسع در فقه و حقوق جزا

استادراهنما:

دکتر محمد حسن حائری

استادمشاور:

دکتر عبدالرضا جوان جعفری

نگارش:

فاطمه رضایی

زمستان ۱۳۹۰



صور تجلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

جلسه دفاع از پایان نامه خانم فاطمه رضایی دانشجوی دوره کارشناسی ارشد رشته الهیات و معارف اسلامی گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی در ساعت ۱۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۲ در محل شورای دانشکده الهیات با حضور امضا کنندگان ذیل تشکیل گردید. پس از بررسی های لازم، هیأت داوران پایان نامه نامبرده را با نمره به عدد ۱۸/۵ به حروف **هجده و نیم** با درجه **بسیار خوب** مورد تأیید قرار داد / نداد.

عذوان

"تفسیر مضیق و موسع در فقه و حقوق جزا"

امضا

هیئت داوران

• داور: دکتر علیر عابدی سرآسیا

استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد

• داور و نماینده تحصیلات تکمیلی: دکتر حسین صابری

دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد

• استاد راهنما: دکتر محمد حسن حائری

دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد

• استاد مشاور: دکتر عبدالرضا جوان جعفری

استادیار گروه حقوق دانشگاه فردوسی مشهد

• مدیر گروه: دکتر محمد تقی فخلعی

دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد

اظہارنامہ

اینجانب فاطمہ رضایی دانشجوی دوره کارشناسی ارشد رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد نویسنده پایان نامه تفسیر مضیق و موسع در فقه و حقوق جزا تحت راهنمایی آقای دکتر محمد حسن حائری متعهد می‌شوم:

- تحقیقات در این پایان نامه توسط اینجانب انجام شده است و از صحت و اصالت برخوردار است.
- در استفاده از نتایج پژوهشهای محققان دیگر به مرجع مورد استفاده استناد شده است.
- مطالب مندرج در پایان نامه تاکنون توسط خود یا فرد دیگری برای دریافت هیچ نوع مدرک یا امتیازی در هیچ جا ارائه نشده است.
- کلیه حقوق معنوی این اثر متعلق به دانشگاه فردوسی مشهد می‌باشد و مقالات مستخرج با نام « دانشگاه فردوسی مشهد » و یا « Ferdowsi University of Mashhad » به چاپ خواهد رسید.
- حقوق معنوی تمام افرادی که در به دست آمدن نتایج اصلی پایان نامه تأثیرگذار بوده‌اند در مقالات مستخرج از پایان نامه رعایت شده است.
- در کلیه مراحل انجام این پایان نامه، در مواردی که از موجود زنده (یا بافتهای آنها) استفاده شده است ضوابط و اصول اخلاقی رعایت شده است.
- در کلیه مراحل انجام این پایان نامه، در مواردی که به حوزه اطلاعات شخصی افراد دسترسی یافته یا استفاده شده است، اصل رازداری، ضوابط و اصول اخلاق انسانی رعایت شده است.

تاریخ امضای دانشجو

۹/۱۲/۱۲

مالکیت نتایج و حق نشر

- کلیه حقوق معنوی این اثر و محصولات آن (مقالات مستخرج، کتاب، برنامه های رایانه‌ای، نرم افزارها و تجهیزات ساخته شده) متعلق به دانشگاه فردوسی مشهد می‌باشد. این مطلب باید به نحو مقتضی در تولیدات علمی مربوطه ذکر شود.
- استفاده از اطلاعات و نتایج موجود در پایان نامه بدون ذکر مرجع مجاز نمی‌باشد.

سپاسگزاری

حمد و سپاس خدای متعال را که نعمت تحصیل علم را در سایه انوار الهی به من ارزانی فرمود و با

تقدیم صمیمانه‌ترین سپاس‌ها خدمت آقای دکتر حائری استاد محترم راهنما و نیز آقای دکتر جوان

جعفری استاد محترم مشاور که در نگارش این اثر مرا یاری نمودند. هم‌چنین سپاسگزار تمامی

اساتید محترم دانشکده الهیات می‌باشم که در سال‌های تحصیل از محضر ایشان کسب فیض نمودم.

از درگاه خداوند منان توفیق روز افزون تمامی این بزرگواران را خواستارم.



بسمه تعالی .
مشخصات رساله/پایان نامه تحصیلی دانشجویان .
دانشگاه فردوسی مشهد

عنوان رساله/پایان نامه: تفسیر مضیق و موسع در فقه و حقوق جزا

نام نویسنده: فاطمه رضایی

نام استاد راهنما: دکتر محمدحسن حاتری

نام استاد مشاور: دکتر عبدالرضا جوان جعفری

دانشکده : الهیات	گروه: فقه و مباحث حقوق اسلامی	رشته تحصیلی: فقه و مباحث حقوق اسلامی
تاریخ تصویب: ۱۳۸۹/۸/۳۰	تاریخ دفاع: ۱۳۹۰/۱۱/۱۳	
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد ●		تعداد صفحات: ۱۵۴

چکیده رساله/پایان نامه :

فانون گذاران هیچ گاه نمی توانند به تدوین قوانینی کامل اقدام نمایند که از یک سو عام و فراگیر بوده و از سوی دیگر کاملاً مبین باشد و صدق آن بر تمامی مصادیق بی شبهه باشد. از این رو از ابتدای قانون گذاری ضرورت نیاز به تفسیر به عنوان ابزاری در دست یابی به مقصود مقنن احساس شد. برای رسیدن به این منظور رویکردهای تفسیری مختلفی ارائه شده است که مهم ترین آن ها در حوزه ی قوانین کیفری دو نوع تفسیر مضیق و موسع است. تفسیر مضیق که از نتایج اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها است، در غالب موارد به صورت تفسیر به نفع متهم ظهور می یابد. اصولی چون لزوم تفکیک قوا، حفظ حقوق فردی، از اهم مباحث تفسیر مذکور هستند. کاربرد تفسیر موسع در حقوق جزا بسیار ضعیف تر از تفسیر مضیق است و فقط در صورتی که منجر به تفسیر به نفع متهم شود قابل استفاده می باشد. جایگاه گسترده ی تفسیر مضیق در حوزه ی فقه همانند حقوق مورد توجه است. ذکر این نکته ضروری می نماید که خاستگاه تفسیر مضیق و موسع ریشه در علم حقوق دارد و به جرأت می توان گفت که چنین عنوانی در فقه فاقد جایگاه مستقل می باشد. این تفسیر با مباحثی چون اصل برائت، صحت و اصل اباحت به شدت سازگار می باشد و در ذیل این عناوین قابل بررسی است. ضرورت رعایت عدالت، تساهل و تسامح در اسلام، منع توسعه در حدود و ... نیز ایجاب می کند که به هنگام ایجاد تردید و شک در شمول حکم مسئولیت زاه اصل بر رفع مسئولیت قرار گیرد.

کلید واژه:	اعضای استاد راهنما:
۱. تفسیر مضیق	تاریخ:
۲. تفسیر موسع	
۳. اصل برائت	
۴. اصالة الصحة	
۵. قاعده ی درء	

فهرست مطالب

مقدمه..... ۱

فصل اول - کلیات

۱- ضرورت تفسیر قانون..... ۹

۲- مراجع تفسیر..... ۱۲

۳- ابزارهای تفسیر..... ۱۵

۴- انواع تفسیر..... ۱۷

۵- ماهیت تفسیر مضیق و موسع..... ۳۲

۶- تفاوت تفسیر قوانین کیفری و مدنی..... ۴۰

فصل دوم- قلمرو تفسیر مضیق و موسع و رابطه‌ی آن با مفاهیم مشابه

مبحث اول: رابطه‌ی تفسیر مضیق با مفاهیم مشابه..... ۴۳

گفتار اول: رابطه‌ی تفسیر مضیق و اصل قانون بودن جرم و مجازات..... ۴۳

۱- تعریف اصل قانونی بودن جرم و مجازات..... ۴۳

۲- مبانی لزوم قانونی بودن جرم و مجازات..... ۴۵

۳- نتایج اصل قانونی بودن جرم و مجازات..... ۴۸

۴- قاعده‌ی قبح عقاب بلا بیان و اصل قانونی بودن جرم و مجازات..... ۴۹

۵- نسبت تفسیر مضیق با لزوم بیان قانون در فقه و حقوق..... ۵۲

گفتار دوم: رابطه‌ی تفسیر مضیق با اصل برائت جزایی و اصل صحت..... ۵۴

۱- بررسی اصل برائت جزایی و تبیین جایگاه آن..... ۵۴

۲- اصالة الصحه..... ۵۵

- ۳- مستندات اصل صحت ۵۶
- ۴- رابطه‌ی تفسیر مضیق با اصل صحت ۶۰
- گفتار سوم: رابطه‌ی تفسیر مضیق و تفسیر به نفع متهم ۶۳
- مبحث دوم: ماهیت و قلمرو فقهی تفسیر مضیق و موسع ۶۹
- گفتار اول: ماهیت فقهی اصولی تفسیر مضیق و موسع ۶۹
- ۱- قاعده‌ی فقهی ۶۹
- ۲- مسأله‌ی فقهی ۷۰
- ۳- مسأله‌ی اصولی ۷۰
- ۴- تفاوت قاعده‌ی فقهی با مسأله‌ی فقهی ۷۱
- ۵- تفاوت قاعده‌ی فقهی با قاعده‌ی اصولی ۷۱
- ۶- تفسیر مضیق، مسأله‌ی اصولی یا قاعده‌ی فقهی ۷۳
- گفتار دوم: قلمرو تفسیر مضیق و موسع در فقه ۷۶
- ۱- نص ۷۷
- ۲- ظاهر ۷۷
- ۳- جایگاه نص و ظاهر در تفسیر مضیق و موسع ۸۴

فصل سوم- مبانی و ادله‌ی تفسیر مضیق و موسع

- مبحث اول: بررسی مبانی تفسیر مضیق و موسع ۸۷
- گفتار اول: مبانی فقهی تفسیر مضیق و موسع ۸۷
- ۱- عدالت ۸۷
- ۲- تساهل و تسامح در اسلام ۸۸
- ۳- منع توسع در حدود ۹۲

گفتار دوم: مبانی حقوقی تفسیر مضیق.....	۹۴
مبحث دوم: بررسی ادله‌ی تفسیر مضیق.....	۹۷
گفتار اول: روایات موجود پیرامون تفسیر مضیق.....	۹۷
۱- روایت اول.....	۹۷
۲- روایت دوم.....	۱۰۴
گفتار دوم: جایگاه برائت عقلی و شرعی در استناد به تفسیر مضیق.....	۱۰۵
۱- برائت عقلی.....	۱۰۵
۲- برائت شرعی.....	۱۰۶
۳- رابطه‌ی اصل برائت با تفسیر مضیق.....	۱۰۹
گفتار سوم: نقش اصالة الاباحه در استناد به تفسیر مضیق.....	۱۱۳
۱- تعریف اصالة الاباحه.....	۱۱۳
۲- ادله‌ی اصالة الاباحه.....	۱۱۴
۳- استناد به اصل اباحه در تفسیر مضیق.....	۱۱۶

فصل چهارم- آثار و مصادیق تفسیر مضیق و موسع

مبحث اول: بررسی آثار و مصادیق تفسیر مضیق.....	۱۱۸
گفتار اول: آثار تفسیر مضیق.....	۱۱۸
۱- تبرئه در حال شك.....	۱۱۸
۲- منع دلیل تراشی به وسیله قیاس.....	۱۱۸
گفتار دوم: مصادیق تفسیر مضیق.....	۱۲۰
۱- مصادیق فقهی.....	۱۲۰
۲- مصادیق حقوقی.....	۱۲۹

مبحث دوم: بررسی آثار و مصادیق تفسیر موسع ۱۳۳

گفتار اول: آثار تفسیر موسع ۱۳۳

گفتار دوم: مصادیق تفسیر موسع ۱۳۴

۱- مصادیق فقهی ۱۳۴

۲- مصادیق حقوقی ۱۳۷

نتیجه گیری ۱۴۰

فهرست منابع ۱۴۳

مقدمه

مقدمه

۱- تبیین موضوع

بحث از تفسیر، زمانی مطرح می‌شود که عبارات مورد نیاز در رفع نیازهای شرعی یا قانونی افراد، فاقد صراحت و روشنی لازم باشد و با اجمال یا ابهام بیان شود. در این صورت، کشف مراد قانون‌گذار و تعیین حدود بیان مورد نظر او امری ضروری است که تحت عنوان «تفسیر» قابل بررسی است.

تفسیر در فقه در دو حوزه قابل طرح است، یکی استکشاف مراد شارع از کتاب و سنت که ابزارهای لازم آن در علم اصول فراهم آمده است و دیگری آیین دادرسی و قضا. البته واژه‌ی اخیر در حقوق و در حوزه آیین دادرسی و فهم مراد قانون‌گذار از جرم، حدود و شرایط آن، و در مقام داوری و صدور حکم مورد توجه جدی قرار گرفته است. لذا اهمیت جایگاه تفسیر در علم حقوق، و به ویژه حقوق کیفری که اساسی‌ترین حق فردی یعنی آزادی را مورد حمایت قرار می‌دهد، موجب شده است که دکترین حقوقی انواع گوناگونی از تفسیر را برشمارند و در انتخاب نوع واحد به اتفاق نظر دست نیابند. مع الوصف از میان تمام گونه‌های تفسیر، دو نوع تفسیر مضیق و موسع بیش از همه در حوزه قوانین کیفری مورد توجه قرار گرفته است. اهمیت این بحث در کنار توجه مذکور، نگارنده را بر آن داشته است تا جایگاه هر یک از این دو نوع تفسیر را در دو حوزه فقه و حقوق مورد بررسی قرار دهد.

منظور از تفسیر محدود در فقه و حقوق جزا آن است که قوانین جزایی را نمی‌توان به طور گسترده تفسیر کرد، به گونه‌ای که قلمرو و گستره مجازات، افراد، مصادیق و موارد بیشتری از متن نصوص را در برخورد با موارد مشکوک در برگیرد. حال آن که مراد از تفسیر موسع جواز این توسیع و تمسک به آن به هنگام تردید است. بر اساس اصولی چون اصل برائت شرعی و

عقلی و نیز اصل قانونی بودن حقوق جرایم و مجازات‌ها لازم است که احکام و قوانین در حوزه جزا تفسیر محدود گردد تا عرصه مجازات هم از نظر افراد و هم از نظر مصادیق و موارد به حداقل برسد. نتیجه این امر تدوین اصول کلی را موجب می‌شود که «تفسیر شک به نفع متهم» و «منع دلیل تراشی به وسیله قیاس» از اهم آن‌ها است.

از سوی دیگر التزام به معیار کلی رفع مجازات در موارد مشکوک موجب می‌شود که احکام و قوانین ارفاقی نیز به صورت موسع تفسیر شوند تا افراد بیشتری را شامل شوند. این پژوهش بر آن است تا ضمن بررسی مبانی فقهی و حقوقی این مسئله موارد و مصادیق برجسته و مورد ابتلا به انضمام آثار و لوازم آن را در فقه و حقوق جزا در حد توان علمی نگارنده مورد کاوش قرار گیرد.

۲- ضرورت موضوع

واضح است که وقوع جرم افزون بر ایراد صدمه به پیکره نظم و امنیت عمومی که حفظ آن، اصلی‌ترین هدف تقنین قوانین جزایی است گاه سبب زایل شدن حقوق شخصی افراد نیز می‌شود. از همین رو تصویب قوانین و اعمال مجازات به عنوان منشی سرکوب‌گرایانه در برخورد با مجرمین از قدیمی‌ترین نظام‌های حقوقی تا به اکنون، دارای اهمیت ویژه بوده است. آن چه در این میان بیش از هر چیز باید مورد توجه قرار گیرد کشف منظور حقیقی شارع و قانون‌گذار از یک حکم یا قانون است. این امر علاوه بر کمک به جبران خسارت و تألم زیان دیده و ترمیم احساسات عمومی که با وقوع جرم خدشه‌دار شده است، به حفظ حقوق مجرم نیز یاری می‌رساند و از مجازات شدن بیش از استحقاق وی جلوگیری می‌کند. لذا نقش تفسیر احکام و قوانین، در رعایت عدالت، همه‌جانبه است چرا که تفسیر صحیح و منطقی عامل مهمی در پیشگیری از وقوع یا تکرار جرم است.

این در حالی است که از یک سو تفسیر سخت گیرانه و نادرست به رعایت قاعده‌ی مسلم تناسب جرم و مجازات که از دستاوردهای مهم فقه و حقوق در حوزه حقوق فردی است لطمه می‌زند و از سوی دیگر تفسیر سهل گیرانه و مسامحه‌گر منجر به گسترش دامنه‌ی وقوع جرم و تجری مجرمین می‌شود و از اقتدار نظام حقوق کیفری که در حقیقت تجلی قدرت جامعه در برخورد با جرایم و کجروی‌ها است، می‌کاهد.

لذا هدف از این تحقیق آن است که ضوابط دست‌یابی به یک تفسیر صحیح و نقش آن در قوانین جزایی را مورد بحث و بررسی قرار دهد.

۳- پرسش‌های پژوهش

- ۱- تفسیر چیست و آیا نص و ظاهر را هم در بر می‌گیرد؟
- ۲- آیا موضوع مورد بحث، یک قاعده‌ی فقهی است؟
- ۳- مبانی و ادله‌ی اصلی تفسیر مضیق و موسع چیست؟
- ۴- رابطه‌ی تفسیر مضیق با اصل قانونی بودن جرم چیست؟
- ۵- رابطه‌ی تفسیر مضیق با اصالة الاباحه چیست؟

۴- فرضیه‌های پژوهش

- ۱- منظور از تفسیر قوانین آشکار کردن معنی الفاظ قانون و عباراتی است که در ظاهر مجمل و مبهم می‌نماید و مفهوم آن نص و ظاهر را در بر نمی‌گیرد.
- ۲- مبحث تفسیر محدود و نامحدود گاه به عنوان یک قاعده‌ی فقهی و گاه با عنوان یک مسأله‌ی اصولی قابل ارزیابی است.

۳- اصل برائت شرعی و عقلی، اصالةالاباحه و قاعده درء و شماری دیگر از قواعد فقهی به همراه برخی از عمومات و مطلقات و احياناً ادله‌ی خاص از مبانی و ادله اصلی این بحث به شمار می‌آید.

۴- تفسیر مضیق یکی از نتایج مسلم اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها است و به موجب آن نمی‌توان فراتر از محدوده‌ی مورد بیان قانون‌گذار اقدام به برداشت قانونی نمود.

۵- جریان اصالةالاباحه موجب تبرئه متهم در موارد تشکیک انتساب بزه به وی خواهد بود.

۵- پیشینه‌ی پژوهش

علی‌رغم تلاش و استقرای نگارنده در یافتن پیشینه پژوهش حاضر، اثر مدون و مشخصی با محوریت موضوع مورد بحث یافت نشد. اختصاصی‌ترین موضوعی که در این زمینه مرتبط با بحث قابل ذکر است عبارت از دو کتاب تألیفی در حوزه تفسیر قوانین جزایی می‌باشد که در آن‌ها به بررسی تمامی انواع تفسیر پرداخته شده است. این دو اثر عبارتند از: **روش تفسیر قوانین کیفری** تألیف جلال‌الدین قیاسی و **تفسیر قانون در حقوق جزا** اثر جلیل امیدی.

هم‌چنین بحث مورد نظر در برخی کتب حقوقی به ویژه آثار مربوط به حقوق جزای عمومی و در ذیل بیان اقسام تفسیر در قوانین جزایی، مورد بررسی قرار گرفته است و گاه نیز در ذیل مباحث مربوط به اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها مباحث مربوط به تفسیر مضیق به صورت اختصاصی و به عنوان یکی از نتایج اصل مذکور بیان گردیده است. از جمله مهم‌ترین آثار تألیفی که در این زمینه می‌توان مورد توجه قرار داد عبارت است از: **دوره حقوق جزای عمومی** اثر مرتضی محسنی که در ذیل مباحث اقسام تفسیر، به صورت مفصل‌تری نسبت به سایر کتب حقوق جزای عمومی حاضر، به بحث مورد نظر پرداخته است و نیز **حقوق جزای عمومی** تألیف هوشنگ شامبیاتی، **حقوق جزای عمومی** پرویز صانعی، **حقوق جزای عمومی** ایرج گلدوزیان، **زمینه حقوق جزای عمومی** رضا نور بها و **نگرشی بر حقوق جزای عمومی** محمد باهری.

در حوزه مطالعات فقهی علی‌رغم استقرار صورت گرفته، هیچ باب مستقلی در فقه و اصول یافت نشده است و آن چه در این زمینه قابل استفاده است صرفاً مصادیق پراکنده در لابه‌لای ابواب گوناگون فقه است که اگر چه در بیان برخی از آن‌ها نوع تفسیر صورت گرفته ملاک حکم است، اما به صورت مستقل به این مطلب پرداخته نشده است.

۶- ساختار پژوهش

پژوهش حاضر تحت عنوان «تفسیر مضیق و موسع در فقه و حقوق جزا» در طی چهار فصل تدوین شده است. در فصل اول به ارائه کلیاتی از مفاهیم تفسیر و انواع آن برای شروع و ورود به بحث، پرداخته شده است و پس از بیان انواع تفسیر به مناسبت موضوع مورد تحقیق و به طور خاص از ماهیت تفسیر مضیق و موسع سخن به میان آمده است. هم چنین در این فصل، در یک نگاه اجمالی به رویکردهای تفسیری، مراجع تفسیر و ابزارهای تفسیر در فقه و قانون اشاره شده است.

در فصل دوم، نخست به دلیل ضرورت بحث، رابطه تفسیر مضیق و موسع با مفاهیم مشابه آن مورد توجه قرار گرفته است و در سه گفتار مستقل، رابطه‌ی تفسیر مذکور با اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، اصل برائت جزایی و تفسیر به نفع متهم مورد بررسی و دقت نظر واقع شده است. در مبحثی دیگر از همین فصل، سعی شده است که تفسیر مضیق و موسع در حوزه فقه، مورد توجه قرار گیرد. از این رو طی دو گفتار ابتدا ماهیت فقهی یا اصولی دو تفسیر مزبور بررسی شده است و سپس قلمرو فقهی هر یک بیان گردیده است.

در سومین فصل، و پس از ذکر مباحث مورد نیاز برای ایجاد درک مناسب از موضوع، مبانی و ادله‌ی فقهی و حقوقی دو تفسیر مورد نظر در دو گفتار در حد بضاعت از دقت نظر نگارنده گذرانده شده است.

در فصل چهارم و پایانی اثر حاضر نیز سعی بر آن بوده تا با ذکر آثار هر یک از دو تفسیر مورد بحث و ارائه مصادیقی از هر یک، در فقه و حقوق جنبه کاربردی موضوع نیز لحاظ شود.

۲-روش پژوهش

روش این پژوهش تحلیلی است و تلاش نگارنده در تحلیل مطالب، تطبیق گام به گام فقه با حقوق جزا است. شیوه گردآوری مطالب به روش کتابخانه‌ای و استفاده از نرم‌افزارهای علوم دینی است.

فصل اول

کلیات

۱- ضرورت تفسیر قانون

تفسیر در لغت از فسر مشتق است و فسر ظاهر ساختن معنی معقول است.^۱ هم چنین فسر به کسر سین و ضم آن به معنی بیان کردن و آشکار ساختن می‌باشد.^۲ از آن چه بیان شد چنین بر می‌آید که هر گاه الفاظی دارای معانی روشن و ظاهر بوده باشند تفسیر بر آن‌ها صدق نمی‌کند و نیازی به تفسیر ندارند.^۳ شیخ انصاری در این زمینه می‌فرماید: «تفسیر عبارت است از کشف قناع، یعنی پرده برداشتن، پس مطلق حمل لفظ بر معنی ظاهری آن تفسیر نیست.»^۴

تفسیر در اصطلاح به معنای تبیین معنای صحیح و گستره‌ی یک قاعده حقوقی و تلاش برای تطبیق آن به یاری قواعد اصولی، لغوی، منطقی و اجتماعی است.^۵ به عبارت دیگر تفسیر عبارت است از کشف مقصود قانون‌گذار در مواردی که کلام مقنن دارای اطلاق، عموم، اجمال، نقص، سکوت، تعارض و ... است. هم چنین بهره‌گیری از قواعد اصول حقوقی برای فهم دقیق و رفع ابهام و اجمال را تفسیر گویند.^۶

کاربرد تفسیر در فقه و حقوق دارای اشتراک لغوی و اصطلاحی است و در هر دو به منظور کشف مراد قانون‌گذار و حقیقت کلام ایشان مورد استفاده قرار می‌گیرد. در حوزه فقهی اگر چه تشریح احکام و وضع قوانین در طی یک دوره تشریحی تدریجی در عهد پیامبر انجام شده است، اما در بسیاری از موارد آن، اجمال و ابهام دیده می‌شود که

۱- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، ص ۵۰۰.

۲- ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، ج ۵، ص ۵۵.

۳- فیض، علیرضا، *مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام*، ج ۱، ص ۴۶.

۴- انصاری، مرتضی بن محمد امین، *فرائد الاصول*، ج ۱، ص ۱۴۲.

۵- کاتوزیان، ناصر، *فلسفه حقوق*، ج ۲، ص ۱۳۴.

۶- بهرامی، بهرام، *بایسته‌های تفسیر قوانین* (متدلوزی، اصول و مبانی تصویب و تفسیر)، ص ۶۱.

برخاسته از فقدان علم لازم برای درک احکام، و یا سکوت می‌باشد و یا آن که احکام موجود بوده اما به دست ما نرسیده است. این امر و نیز ضرورت تبیین دقیق احکام شرعی به منظور امثال کامل آن‌ها فقهای اسلامی را در طول تاریخ به تلاش پیرامون کشف مراد و مقصود شارع و ارائه آن به مکلفان واداشته است.

ثمره این تلاش در فقه امامیه منجر به ایجاد علمی به نام «اصول فقه» گردیده است که در آن، به ابزارها و روش‌های مختلف استنباط و استخراج احکام از نصوص شرعی پرداخته شده است و ماحصل مجاهدت مجتهدان در اعصار گوناگون است. ثمره این تلاش در جهت تفسیر و تبیین احکام مبهم، مجمل و کلی در جهت دست یابی به حقیقت نصوص احکام، نهایتاً در علم فقه در اختیار مکلفین قرار می‌گیرد. بنابراین ضرورت تفسیر قوانین و تبیین احکام از اهم وظایفی است که همواره مجتهدین در طی طریق شریعت بر عهده داشته‌اند.

ضرورت این گونه تفسیر در حوزه قوانین وضعی بشری به مراتب بیشتر از حوزه فقه احساس می‌شود چرا که قانون نوعی پاسخ‌گویی به نیازهای جدید جامعه است که برخاسته از عقل بشری است و لذا امری نسبی می‌باشد و احتمال ابهام و اجمال و اشکال در آن کاملاً بدیهی است.

قانون، حاوی دستورات کلی و جامع مقنن و بیان‌کننده‌ی سیاست وی در هر مورد می‌باشد و معمولاً مقنن به هنگام تنظیم قانون سعی می‌کند با استعمال جملات صریح و روشن مقصود خود را بیان نماید تا دستورات قانونی خالی از ابهام و اشکال بوده و بر کلیه موارد، اشباه و نظایری که مورد توجه او بوده است، صادق باشد. مع هذا با تمام دقتی که در تنظیم قانون به کار برده می‌شود، گاهی قانون از آن صراحتی که مورد نظر است برخوردار نبوده و ناقص و مجمل تنظیم می‌گردد. گاهی نیز بر کلیه اشباه و نظایر آن صدق نمی‌کند و گاه نیز پیشرفت

علوم مسائلی را در اختیار مردم قرار می‌دهد که مقنن به هنگام تنظیم قانون نمی‌توانسته به آنها توجه داشته باشد. در کلیه این موارد مجریان قانون و نویسندگان ناگزیر از تفسیر قانون می‌باشند.

در حقیقت قانون، پاسخ‌گویی به نیازهای جدید جامعه است که این نیازها بر اثر پیشرفت تمدن به وجود می‌آیند. پس پاسخ‌گویی خود، بیان است و چه بسا که این بیان، ابهام داشته باشد و تفسیر آن لازم باشد. از این رو، باید گفت که ضرورت تفسیر قانون به معنی اخص این است که تفسیر قانون، با خود قانون ملازمه دارد. یعنی تفسیر، پیوسته با قانون همراه است و از آن جدایی ندارد. پس تفسیر، امری ناگزیر است که دامن‌گیر قانون می‌شود و قانون را چاره‌ای از آن نیست. البته باید دانست که نیاز قانون به تفسیر، عیب قانون نیست؛ چرا که قانون هم مانند هر امر اجتماعی دیگر، از عقل بشر سرچشمه می‌گیرد و یک امر نسبی است. پس، امر نسبی تابع قواعد حاکم بر آن است. یعنی راجع به قانون باید پذیرفت که آن چه در متن آن آمده است، قابلیت و تاب تفسیر و بیان را دارد و چون این امر پذیرفته شود، معنی آن این است که بیان و توضیح قانون، عیب قانون نیست.

افزون بر این، بیان نقص قانون، آشکار کردن نقاط تاریک و مبهم قانون است و بر طرف ساختن این نقاط تاریک را به این معنا باید دانست که راه پیشرفت و تحول قانون از مسیر قانون می‌گذرد.^۱

در حقیقت بنا بر آن چه بیان شد، باید گفت که تفسیر قانون بخش فنی حقوق است و هیچ قانونی نمی‌تواند بدون این بخش به حیات خود ادامه دهد. چرا که یک قانون پس از تصویب و انتشار و به هنگام اجرا با مجموعه‌ی قوانین و مقررات دیگر یک نظام حقوقی را تشکیل می‌دهد

۱- حمیتی واقف، احمد علی، *مقدمه علم حقوق*، ص ۷۹.